

A Jurisprudential–Legal Study on the “Property Status” of Virtual Pages and Its Impact on the Legitimacy and Regulations Governing Their Restriction by State Authorities

Mahdi Ghofrani ^{1✉}, Abdollah Bahmanpouri ²

1. Department of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author). E-mail: mahdi.ghofrani@ut.ac.ir

2. Associate Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law at Yasouj University, Yasouj, Iran. E-mail: bahmanpouri10@yu.ac.ir

Received: 2025-05-29	How to cite this article: Ghofrani, M., & Bahmanpouri, A. (2025). A Jurisprudential–Legal Study on the “Property Status” of Virtual Pages and Its Impact on the Legitimacy and Regulations Governing Their Restriction by State Authorities. Research Journal on Business Law and Investment, 1(1) (1): 1-17.
Revised: 2025-06-10	
Accepted: 2025-07-11	
Available Online: 2025-09-16	

Introduction

In the era of information and communication technology, virtual pages have evolved from simple communication tools into essential platforms for economic, social, and cultural activities. These pages—particularly those with large audiences and substantial revenues—have become valuable digital assets that can serve as objects of economic transactions. On the other hand, governmental institutions, invoking grounds such as national security, public order, or the prevention of criminal content, often resort to restricting or blocking such pages. This study aims to examine the impact of recognizing virtual pages as “property” on the legitimacy and legal framework of their closure by state authorities. The primary objective of this research is to analyze, from both Islamic jurisprudential (feqh) and legal perspectives, the concept of “property status” as it applies to virtual pages, and to assess how this status affects the legitimacy of governmental measures restricting them. Secondary objectives include: defining the criteria for property in Shi’a jurisprudence and Iranian law; assessing the applicability of these criteria to virtual pages; analyzing the legal obligations and constraints imposed on the state once property status is recognized; and examining the government’s civil liability for the unjustified restriction of virtual pages possessing economic value.

Method

This research adopts a descriptive–analytical method, relying on authoritative jurisprudential and legal sources. Data have been gathered through the study of fiqh texts, civil and commercial codes, and documents related to digital rights. The analysis draws upon the opinions of Islamic jurists and legal scholars in interpreting the concept of *property* and applying it to digital phenomena such as virtual pages. Logical reasoning and a comparative approach have been employed to juxtapose traditional conceptions of property with emerging digital assets.

Findings

The findings indicate that successful virtual pages—those possessing features such as rational and legitimate utility, public desirability, relative scarcity, the need for effort to acquire, the capacity for private possession and transfer, and evident economic value—satisfy the conditions of property. For instance, a page with millions of followers and substantial advertising revenue clearly constitutes a valuable digital asset with exchangeable worth.

Recognizing virtual pages as property does not negate the state’s sovereign powers in cases of necessity; however, it elevates their legal status from a mere expressive medium to that of a **protectable asset**. Consequently, greater legal constraints are imposed on state authorities when implementing restrictions. These include:

- **Legal authorization:** any restrictive measure must be explicitly grounded in clear statutory authority.
- **Principle of proportionality and necessity:** government action must be proportionate to a legitimate aim and represent the least intrusive means available.
- **Right to defense and notification:** the page owner must be informed of the legal grounds for closure and afforded an opportunity to contest the decision.
- **Transparency and due process:** competent authorities must act transparently and observe established procedural safeguards.

Furthermore, when virtual pages recognized as property are unjustifiably blocked, the government bears liability for both material and moral damages. The foundations of such liability can be traced to jurisprudential maxims such as *lā ḍarar* (no harm) and *itlāf* (wrongful destruction), as well as to principles enshrined in the Iranian Constitution and the Civil Liability Act.

Conclusion

This study demonstrates that acknowledging the property status of virtual pages marks a significant transformation in the legal perception of this emerging phenomenon. Although the state retains authority to impose restrictions when necessary, such measures must adhere to precise legal standards that balance governmental prerogatives with citizens’ proprietary rights. It is recommended that clearer legislation and specialized judicial mechanisms be established to adjudicate disputes arising from the blocking of virtual pages—ensuring that, on the one hand, the rights of page owners are safeguarded, while on the other, public order and national security are duly protected.

English Keywords: Propertization, Virtual Pages, Governmental Authority, State Liability, Digital Asse.



بررسی فقهی - حقوقی «مالیت» صفحات مجازی و تأثیر آن بر بازنگری در مشروعیت و ضوابط بستن آن‌ها توسط نهادهای حاکمیتی

مهدی غفرانی^۱✉، عبدالله بهمن‌پوری^۲

۱. کارشناس ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mahdi.ghofrani@ut.ac.ir

۲. دانشیار، گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: bahmanpouri10@yu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

در این پژوهش، ما به بررسی این پرسش اساسی می‌پردازیم که آیا صفحات مجازی از چنان ارزش اقتصادی برخوردارند که بتوان آن‌ها را در زمره «اموال» به شمار آورد و این مالیت چه تأثیری بر مشروعیت اقدامات نهادهای حاکمیتی در مسدودسازی آن‌ها دارد. ما با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع فقهی و حقوقی، ادعا می‌کنیم که صفحات مجازی موفق، با دارا بودن معیارهایی چون منفعت عقلایی، رغبت عمومی، کمیابی نسبی و ارزش اقتصادی آشکار، واجد مالیت هستند. برای نمونه، صفحه‌ای با میلیون‌ها دنبال‌کننده و درآمدزایی قابل توجه از طریق تبلیغات، مصداق بارز یک دارایی دیجیتال با ارزش مبادله‌ای است. در نتیجه، ما به این جمع‌بندی می‌رسیم که اگرچه دولت در موارد ضروری حق اعمال محدودیت را داراست، اما شناسایی این مالیت، الزامات حقوقی سخت‌گیرانه‌تری از جمله ضرورت مجوز قانونی صریح، رعایت اصل تناسب و حق دفاع برای مالک را به همراه می‌آورد و انسداد غیرموجه می‌تواند مسئولیت مدنی دولت را برای جبران خسارات مالی و معنوی به دنبال داشته باشد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

کلیدواژه‌ها: مالیت، صفحات مجازی، اعمال حاکمیت، مسئولیت مدنی دولت، دارایی دیجیتال.

استناد: غفرانی، مهدی و بهمن‌پوری، عبدالله (۱۴۰۴). بررسی فقهی - حقوقی «مالیت» صفحات مجازی و تأثیر آن بر بازنگری در مشروعیت و ضوابط بستن آن‌ها توسط نهادهای حاکمیتی. *حقوق کسب و کار و سرمایه‌گذاری*، ۱(۱) (پیاپی ۱)، ۱-۱۷.

<http://doi.org/10.82466/jbli.2025.1208157>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌ویژه ظهور و گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مجازی، تغییرات بنیادینی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع بشری ایجاد کرده است. صفحات و حساب‌های کاربری در این فضا، از ابزاری صرف برای ارتباط فراتر رفته و به بسترهایی حیاتی برای فعالیت‌های متنوع تبدیل شده‌اند. اهمیت روزافزون صفحات مجازی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آن‌ها را به دارایی‌های ارزشمندی برای افراد، کسب‌وکارها و نهادها تبدیل کرده است؛ دارایی‌هایی که حاصل صرف وقت، هزینه، دانش، خلایق و سرمایه‌گذاری مستمر هستند.

با گذشت زمان و توسعه فعالیت‌ها در این فضا، پدیده ارزش اقتصادی و «مالیت» برای صفحات مجازی به‌طور فزاینده‌ای نمود یافته است. بسیاری از این صفحات، به‌ویژه آن‌هایی که دارای مخاطبان گسترده، محتوای پرمخاطب یا کاربری تجاری هستند، به منبع اصلی درآمد، بستر بازاریابی، ابزار کسب‌وکار و یا تجلی‌گاه اعتبار و شهرت صاحب خود تبدیل شده‌اند و در دنیای واقعی نیز دارای ارزش مبادله‌ای و اقتصادی قابل‌توجهی هستند. این تحول، پرسش‌های جدیدی را در خصوص ماهیت حقوقی این دارایی‌های دیجیتال و حقوق مرتبط با آن‌ها مطرح می‌سازد.

در مقابل این تحولات، اقدامات نهادهای حاکمیتی در انسداد یا مسدودسازی صفحات مجازی که معمولاً با استناد به ملاحظات امنیتی، نظم عمومی یا مقابله با محتوای مجرمانه صورت می‌گیرد، به یکی از چالش‌های حقوقی بحث‌برانگیز در حوزه فضای مجازی تبدیل شده است. این اقدامات که می‌تواند به سلب دسترسی افراد به دارایی‌های دیجیتال ارزشمندشان منجر شود، همواره با پرسش‌هایی جدی در خصوص مبانی قانونی، حدود اختیارات نهادهای دولتی و رعایت حقوق بنیادین شهروندان، از جمله حق آزادی بیان و حقوق مرتبط با مالکیت در فضای دیجیتال، مواجه بوده است.

طرح مسئله اصلی این پژوهش از تلاقی این دو پدیده، یعنی ارزش یافتن اقتصادی صفحات مجازی و اقدام نهادهای حاکمیتی به انسداد آن‌ها، شکل می‌گیرد. مسئله محوری این است که آیا و چگونه مفهوم مالیت یافتن صفحات مجازی بر مشروعیت حقوقی اقدام نهادهای حاکمیتی در انسداد آن‌ها تأثیر می‌گذارد؟ به عبارت دیگر، در شرایطی که یک صفحه مجازی واجد ارزش اقتصادی قابل‌توجه است، آیا می‌توان با همان سهولتی که یک صفحه فاقد ارزش مالی مسدود می‌شود، اقدام به انسداد آن نمود؟ اینجاست که ضرورت بررسی مشروعیت این اقدامات با تأکید بر مفهوم مالیت صفحات مجازی آشکار می‌شود؛ چرا که نادیده گرفتن این بُعد اقتصادی می‌تواند به تضییع حقوق صاحبان صفحات و ایجاد مسئولیت برای نهادهای دولتی منجر شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در پاسخگویی به خلأهای نظری و قانونی موجود در این حوزه است. نظام حقوقی سنتی که عمدتاً بر دارایی‌های مادی و مشهود تمرکز دارد، در مواجهه با دارایی‌های نامشهود دیجیتال و ارزش اقتصادی نوظهور آن‌ها با چالش روبروست. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تبیین مفهوم «مالیت» در فضای مجازی از منظر فقهی و حقوقی و بررسی جایگاه آن در نظام حقوقی، به نیاز به تبیین حقوق صاحبان صفحات مجازی به‌عنوان دارندگان یک دارایی دیجیتال ارزشمند پاسخ دهد. همچنین، این تحقیق با بررسی مبانی و حدود اختیارات دولت در فضای مجازی، گامی در جهت نیاز به شفاف‌سازی حدود اختیارات دولت در اعمال محدودیت بر این دارایی‌های دیجیتال برمی‌دارد و می‌کوشد تا معیارهایی برای سنجش مشروعیت این اقدامات با در نظر گرفتن بُعد مالی صفحات مجازی ارائه دهد.

بر این اساس، این پژوهش به واکاوی سؤال اصلی خود می‌پردازد مبنی بر اینکه آیا و چگونه مفهوم مالیت صفحات مجازی بر مشروعیت حقوقی انسداد آن‌ها توسط نهادهای حاکمیتی تأثیر می‌گذارد؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، این تحقیق به بررسی سؤالات فرعی متعددی می‌پردازد، از جمله اینکه معیار فقهی و حقوقی مالیت چیست و آیا صفحات مجازی واجد این معیارها

هستند؛ در صورت پذیرش مالیت برای صفحات مجازی، چه الزامات و محدودیت‌هایی برای نهادهای حاکمیتی در اقدام به انسداد ایجاد می‌شود؛ آیا تفاوتی میان انسداد موقت، دائم، یا حذف محتوا از منظر حقوق مالکانه و مسئولیت دولت وجود دارد؛ و مسئولیت مدنی دولت در قبال انسداد غیرموجه صفحات مجازی دارای مالیت چگونه است.

در زمینه موضوع مورد بحث، پژوهش‌های متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم مالیت و مصادیق آن، به‌ویژه در دنیای نوین و دارایی‌های نامشهود پرداخته‌اند. بخشی از این تحقیقات به واکاوی مبانی فقهی و حقوقی مفهوم مالیت و ضابطه مال بودن اشیاء یا حقوق اختصاص یافته و تلاش کرده‌اند تا معیارهای سنتی فقهی و حقوقی را در خصوص شرط مالیت مورد معامله (احمدلو، ۱۴۰۰؛ باقری، گندمکار و زرگوش نسب، ۱۳۹۹؛ شاه ملک پور و دریائی، ۱۳۹۹؛ موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن، ۱۳۹۳؛ یوسفی، ۱۳۹۹) یا مفهوم ضمان مالیت (علی باقری و عزیزالهی، ۱۳۹۸) تبیین نمایند. بخش دیگری از ادبیات موجود، به بررسی انطباق مفهوم «مالیت» با مصادیق جدید و نامشهود نظیر اموال فکری و حقوق معنوی (حبیب و حسین زاده، ۱۳۹۳؛ کریمی و موسوی، ۱۳۹۰؛ موسوی، ۱۳۹۷؛ ولی زاده و سلطانی، ۱۳۹۴)، داده‌های رایانه‌ای (آزرم، ۱۴۰۳؛ بهمن پوری، شادمان فر و پورغلامی فراشبندی، ۱۳۹۳؛ عبدی پور فرد و وصالی ناصح، ۱۳۹۶)، خبر و محتوای رسانه‌ای (فخلعی و علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۳) و حتی رمزارزها (زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۴۰۲) پرداخته و ارزش اقتصادی و جایگاه حقوقی آن‌ها را مورد بحث قرار داده‌اند. محمودخانلی (محمودخانلی، ۱۴۰۱) نیز به اعتبار مالیت در اموال غیرمادی به صورت کلی پرداخته است. همچنین، برخی پژوهش‌ها نیز به صورت موردی به دارایی‌های الکترونیک در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند، هرچند تمرکز آن‌ها بر موضوعاتی متفاوت از قبیل بررسی ارث دارایی‌های الکترونیک (وجدانی مقدم، ۱۴۰۳) بوده است. این تحقیقات، در مجموع، نشان‌دهنده تحول در مفهوم «مالیت» و گسترش دامنه آن به دارایی‌های نامشهود و دیجیتال بوده و بستر نظری لازم برای پذیرش ارزش اقتصادی در فضای مجازی را فراهم آورده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی به صورت مشخص و متمرکز به بررسی مشروعیت حقوقی اقدام نهادهای حاکمیتی در انسداد یا مسدودسازی صفحات مجازی با تأکید بر مفهوم «مالیت» این صفحات به عنوان یک دارایی دیجیتال ارزشمند نپرداخته و خلاً پژوهشی در خصوص تأثیر ارزش اقتصادی صفحات مجازی بر حدود اختیارات دولت و الزامات حقوقی مترتب بر اقدامات محدودکننده در این حوزه وجود دارد. پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن دستاوردهای تحقیقات پیشین در خصوص مفهوم مالیت و مصادیق نوین آن، تلاش دارد تا این خلاً را پوشش داده و ارتباط میان مالیت صفحات مجازی و مشروعیت حقوقی انسداد آن‌ها توسط نهادهای حاکمیتی را مورد تحلیل قرار دهد.

هدف این پژوهش، تحلیل حقوقی و فقهی مشروعیت اقدامات نهادهای حاکمیتی در انسداد صفحات مجازی با تمرکز بر مفهوم «مالیت» است. این تحقیق می‌کوشد تا با پاسخ به سؤالات مطرح شده، چارچوبی حقوقی برای ارزیابی این اقدامات ارائه داده و تأثیر ارزش اقتصادی صفحات مجازی بر حقوق صاحبان آن‌ها و الزامات قانونی پیش روی نهادهای دولتی را تبیین نماید. بدین منظور، در بخش‌های آتی مقاله، ابتدا به تبیین مفهوم مالیت و انطباق آن با صفحات مجازی از منظر فقه و حقوق پرداخته، سپس تأثیر مالیت بر مشروعیت این اقدامات و حدود آن‌ها و الزامات قانونی مترتب و مسئولیت احتمالی دولت در قبال انسداد غیرموجه تحلیل خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی صفحات مجازی و ماهیت و ارزش آن

صفحات مجازی به فضاهای دیجیتال تخصیص یافته در بستر پلتفرم‌های آنلاین اطلاق می‌شود که بر اساس توافقات قراردادی^۱ میان کاربر و ارائه‌دهنده خدمات پلتفرم، به صورت انفرادی در اختیار کاربران حقیقی یا حقوقی قرار می‌گیرد. این صفحات، محل تجسم هویت دیجیتال کاربران بوده و برای ارائه محتوا، تعامل اجتماعی، تبلیغات، کسب‌وکار، اطلاع‌رسانی یا

^۱ Terms of Service

اثرگذاری عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. صفحات مجازی معمولاً واجد ساختاری متمایز، قابلیت مدیریت توسط کاربر و در بسیاری موارد، دارای ارزش اقتصادی، اجتماعی یا اطلاعاتی هستند. برخی از این پلتفرم‌ها ایرانی هستند و برخی نیز خارجی و البته در میان هر دو گروه ممکن است پلتفرم‌هایی حق بستن حساب را در صورت تخلف از قوانین کشور به حکومت بدهند. از منظر ساختاری، صفحات مجازی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: صفحات شخصی و صفحات سازمانی/تجاری. کارکردهای آن‌ها شامل بازنمایی هویت دیجیتال، تبلیغات و بازاریابی، تولید محتوا، کسب درآمد از طریق تبلیغات یا فروش کالا و خدمات و نیز ایجاد ارتباطات اجتماعی و سیاسی است. این صفحات در عمل به بستری برای کنش‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی حقوقی تبدیل شده‌اند.

صفحات مجازی از حیث ماهوی، ترکیبی از داده‌های دیجیتال، محتوای تولید شده توسط کاربر و زیرساخت نرم‌افزاری پلتفرم‌ها هستند. با وجود آن‌که زیرساخت فنی متعلق به شرکت میزبان است، اما محتوا، هویت برند و شبکه مخاطبان شکل گرفته توسط کاربران و غیره، جنبه‌ای از دارایی را برای آنان به وجود می‌آورد. به همین دلیل، شاید بتوان صفحات مجازی را نوعی دارایی نامشهود تلقی می‌کرد که مشابه برند تجاری دارای ارزش اقتصادی است. با این حال، ماهیت مختلط آن، تحلیل جامع‌تری را ایجاب می‌کند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در جهان امروز صفحات مجازی واجد ارزش اقتصادی هستند و به‌وفور معامله می‌شوند؛ صفحات پرمخاطب می‌توانند محل درآمدزایی از طریق تبلیغات، همکاری‌های تجاری یا فروش مستقیم باشند. همچنین، نقش آن‌ها در برندسازی شخصی یا شرکتی بسیار پررنگ است. از منظر اجتماعی نیز صفحات مجازی شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی دیجیتال هستند، جایی که ارتباطات و اعتماد کاربران تجمع می‌شود و تبدیل به نفوذ اجتماعی و حتی سیاسی می‌گردد؛ بنابراین، ارزش صفحات مجازی محدود به دارایی اقتصادی نیست، بلکه شامل عناصر فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی نیز می‌شود.

مقصود از بستن این صفحات توسط نهادهای حاکمیتی (قضائی، انتظامی، نظامی، امنیتی، اجرائی و...) قطع دسترسی یا انتفاع مالک این صفحات از صفحه به‌وسیله فیلتر کردن و مسدودسازی موقت یا دائم، پاک کردن یا غیرفعال کردن صفحه توسط نهادهای حاکمیتی یا مالک صفحه یا پلتفرم به سبب الزام نهادهای مذکور است.

۲. مفهوم مالیت در نظام فقهی و حقوقی ایران

۲-۱. گذار اول: تحلیل مفهوم مالیت در فقه امامیه

در فقه امامیه تعاریف و معیارهای متعددی برای مالیت ارائه شده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

چنانکه برخی اشاره کرده‌اند، دیدگاه رایج میان فقهای امامیه، محوریت منفعت عقلائی و حلال در معنای مالیت است: «المالیه عند فقهاء الإمامیه تدور مدار الانتفاع منفعة مقصودة للعقلاء، محللة فی الشرع» (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۳۲: ۴/ ۲۱۵) و کاشف الغطاء نیز با عبارت «منفعة مقصودة للعقلاء محللة فی الشرع» همین مبنا را قبول می‌کند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ۳/ ۱۱۴). شیخ انصاری نیز در مکاسب همین دیدگاه را پذیرفته است (انصاری، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۱۰). از نظر برخی آنچه موجب مالیت چیزی می‌شود، رغبت به آن است. منتظری معتقد است ملاک در مالیت، رغبت شخص در آن به‌حسب نیازهای فعلی عقلائی است به‌گونه‌ای که در ازای آن مالی را پرداخت کند (منتظری، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۰۲). جزایری مالیت را خصوصیت تکوینی و ذاتی‌ای است که در عینی وجود دارد که عقلا بر سر آن رقابت می‌کنند می‌داند و معتقد است که در تحقق مفهوم مال، دو امر در نظر گرفته می‌شود: اول، نیاز مردم به آن؛ دوم، متوقف بودن دستیابی به آن بر انجام کاری (جزایری، ۱۴۱۶: ۶/ ۳۸۶). البته برخی فقهای قدیم نیز معتقد بودند که معنای مالیت واضح است و نیازی به ارائه تعریف برای آن نمی‌دیدند (اراکي، ۱۴۱۵: ۲/ ۷۰).

اما برخی از فقها در تبیین مفهوم مالیت به جزئیات و نشانه‌های بیشتری برای تشخیص آن پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال حکیم مالیت را اعتبار عقلائی ناشی از خصوصیتی در شیء می‌داند که موجب رغبت به آن و تنافس و رقابت برای تحصیل آن می‌شود و این نزاع مردم بر سر آن ممکن است برای رفع نیازهای ضروری یا نیازهای ثانوی یا تحصیل لذت باشد و البته علاوه بر این فواید، باید عزیز و محدود بودن آن چیز نیز محقق شده باشد و چنین نباشد که بدون هیچ تلاشی در دسترس همگان قرار داشته باشد. (حکیم، بی‌تا: ۳۲۳). محقق ایروانی معتقد است که در تحقق مفهوم مال، دو موضوع معتبر و لازم است، یکی این که مورد نیاز مردم برای امور دنیوی یا اخروی باشد و دیگر آن که امکان دستیابی به آن بدون انجام کاری ممکن نباشد و از این رو مقدار مالیت اموال با توجه به مقدار نیاز به آنها و سختی و کار مورد نیاز برای رسیدن به آنها متفاوت است (ایروانی، ۱۳۷۹: ۱/۱۶۵). مرحوم نائینی می‌گوید که مالیت چیزی یا به خاطر قابلیت انتفاع از آن با بقای عین مال است (مانند خانه) و یا به دلیل خاصیتی است که بر آن مترتب است که انتفاع از آن متوقف بر اتلاف و از بین رفتن آن است (مانند حبوبات) که البته این دسته دوم گاهی مورد ابتلای دائمی بشر است و گاهی دائمی نبوده و به‌صورت نادر مورد استفاده واقع می‌شود. این دسته که به‌ندرت مورد استفاده می‌شود نیز گاهی نگهداری آن برای برطرف کردن همان نیاز نادر و اتفاقی متعارف است (مانند داروها که در این صورت معامله آن‌ها صحیح است) و گاهی نگهداری آنها متعارف نیست (مانند کرم که در این صورت معامله آن باطل است). همچنین آن چیز برای مالیت داشتن نباید به دلیل کم بودن مقدارش یا وفور زیاد بی‌ارزش باشد که در مقابل آن چیزی پرداخت نشود. (نائینی، ۱۳۷۳: ۱/۳۳۹). شهید مطهری نیز در مورد شرایط مالیت یک چیز می‌گوید: «شرط اول مالیت این است که شیء مورد حاجت باشد، شرط دوم این است که وافر و رایگان نباشد، مثل نور و هوا. شرط سوم این است که قابل اختصاص باشد» (مطهری، ۱۴۰۲: ۶۲). آراء مشابه آنچه ذکر شد در کلام فقها بسیار است و همان‌طور که در پیشینه پژوهش بیان شد، برخی پژوهشگران تعاریف ارائه شده را بررسی کرده‌اند و همچنین اقسام مالیت (مانند ذاتی و اعتباری) و انواع آن (مانند مالیت عرفی و شرعی) را تحلیل کرده‌اند و سعی بر آن داشته‌اند که به تعریف دقیق و درستی از مالیت برسند. به‌عنوان مثال موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن پس از بررسی تعاریف مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که «اولاً با وجود تعاریف مختلف فقیهان در رابطه با مفهوم مال، قدر متیقن از آن تعاریف، این است که عوضین ارزش داد و ستد را داشته باشند تا بذل مال در مقابل آن صحیح باشد و ثانیاً، این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه فی‌الجمله مورد معامله دارای منفعتی باشد که برای تحصیل آن منفعت، مبادلات شکل می‌گیرد» (موسوی بجنوردی و صباغی ندوشن، ۱۳۹۳: ۶۴) و یوسفی نیز بعد از تحلیل مبانی مختلف در معنای مالیت، تنها راه احراز عنوان مال برای یک شیء را معاوضات عرفیه آن می‌داند (یوسفی، ۱۳۹۹: ۵۹).

۲-۲. گفتار دوم: مفهوم مالیت در حقوق ایران

اصطلاح مالیت در ماده ۲۱۵ قانون مدنی چنین بکار رفته است: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد» و در ماده ۱۱ و مواد پس از آن اقسام اموال ذکر شده ولی به تعریف مال اشاره‌ای نشده است. با علی‌رغم اینکه قانون مدنی ایران مال را تعریف نکرده، اما با تحلیل برخی مواد و قوانین و بهره‌مندی از دکترین می‌توان به تعریف مال رسید. البته در بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی در توضیح اصطلاح مال در این قانون آمده است «مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیر مشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار». جعفری لنگرودی ویژگی‌های مال را قابل اختصاص بودن، قابلیت نقل و انتقال در صورت اختصاص به شخص، نفع عقلایی و ارزش ذاتی دانسته می‌داند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۱۲۶). بر اساس دیدگاه شهیدی، مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد و این دو عنصر برای مالیت یا ارزش اقتصادی یک شیء ضروری است: فایده داشتن و محدود بودن وجود یا عرضه آن. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۸۳) از نظر کاتوزیان اگر چیزی بتواند نیازی مادی یا معنوی از انسان برآورده نماید و قابلیت اختصاص به شخص یا ملت معینی را داشته باشد، دارای مالیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۱).

۲-۳. گفتار سوم: جمع‌بندی معیارهای تشخیص مالیت

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، تعاریف گوناگونی از مفهوم «مال» توسط اندیشمندان فقهی و حقوقی ارائه شده است و در میان آن‌ها، معیار واحدی برای تشخیص مالیت یک شیء وجود ندارد. با توجه به هدف این پژوهش که بررسی مالیت صفحات مجازی بر مبنای معیارهایی است که در دیدگاه‌های مختلف درباره مال پذیرفته شده‌اند، در ادامه مجموعه‌ای از ملاک‌های استخراج‌شده از آراء و نظرات فقیهان و حقوقدانان ارائه می‌گردد. این ملاک‌ها، در برخی موارد تداخل دارند یا از یکدیگر قابل استنباط‌اند، برخی صرفاً در مورد دسته‌ای خاص از اموال مصداق دارند و برخی دیگر ممکن است به دلایلی محل تردید یا رد باشند. با این حال، هدف در اینجا نه ارائه تعریف نهایی یا مختار از مالیت (که خود نیازمند پژوهشی مستقل است)، بلکه گردآوری و عرضه مجموعه‌ای از مهم‌ترین شاخص‌ها و ملاک‌های مطرح‌شده در ادبیات فقهی و حقوقی برای سنجش مالیت است؛ امری که می‌تواند زمینه‌ساز تحلیل تطبیقی و ارزیابی دقیق‌تر مصادیق نوظهور، از جمله صفحات مجازی، باشد. بر این اساس، در ادامه تمامی ملاک‌های تشخیص مالیت، به‌نحوی که در منابع معتبر فقهی و حقوقی مطرح شده‌اند، ارائه می‌شود. روشن است که اگر شیئی تمامی این معیارها را به‌طور هم‌زمان دارا باشد، می‌توان گفت که بر مبنای تمامی دیدگاه‌های مذکور، واجد مالیت است.

۱. وجود منفعت عقلائی و مشروع: از مهم‌ترین ارکان مالیت، وجود نفع عقلایی در شیء است. مقصود از منفعت عقلایی، فایده‌ای است که در نظر عرف و عقلا دارای ارزش و کارکرد بوده و بتوان آن را در زندگی روزمره مورد استفاده قرار داد. همچنین بر اساس برخی دیدگاه‌ها، منفعت باید مشروع باشد؛ به این معنا که از نظر شرع مقدس، استفاده از آن مباح و حلال باشد، نه حرام یا مفسده‌انگیز. البته برخی دیگر نیز شرعی بودن منفعت را دخیل در معنای مالیت نمی‌دانند و آن را شرطی مجزا برای صحت معامله قلمداد می‌کنند.

۲. رغبت و تمایل عقلایی: شیء موردنظر باید موضوع رغبت و تمایل افراد در جامعه باشد، به‌گونه‌ای که مردم برای تحصیل آن حاضر به پرداخت مال دیگری باشند.

۳. مورد حاجت بودن: برای آنکه شیء دارای مالیت تلقی شود، باید در راستای رفع یکی از نیازهای بشر قرار گیرد؛ چه نیازهای اساسی مانند غذا و مسکن و چه نیازهای ثانوی نظیر ابزارهای رفاهی یا اقلام فرهنگی. این نیاز می‌تواند دنیوی یا اخروی باشد.

۴. کمیابی یا محدود بودن: وفور بیش از حد یک شیء یا رایگان بودن آن مانع از مالیت آن است. اشیایی مانند هوا و نور خورشید، با وجود مفید بودن، به دلیل در دسترس بودن برای همه و بدون هزینه، از منظر فقهی و حقوقی واجد مالیت نیستند. بر همین اساس، برای آنکه شیء مالیت داشته باشد، باید نوعی کمیابی یا محدودیت در دسترسی به آن وجود داشته باشد.

۵. نیاز به تلاش برای تحصیل: یکی دیگر از شاخص‌های مالیت آن است که دستیابی به شیء مستلزم نوعی فعالیت، هزینه یا کوشش باشد. اگر شیء بدون هیچ تلاشی در اختیار عموم باشد، مالیت نخواهد داشت.

۶. وجود رقابت یا تنازع برای دستیابی: در بسیاری از موارد، رقابت مردم برای تحصیل یک شیء، نشانه‌ای از مالیت آن است. این رقابت می‌تواند برای رفع نیاز، کسب لذت یا برخورداری از امتیازات خاص آن شیء باشد.

۷. قابلیت اختصاص: برای تحقق مالیت، شیء باید قابلیت آن را داشته باشد که در اختیار و تملک یک فرد یا گروه خاص قرار گیرد. اشیایی که ذاتاً عمومی‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به شخصی اختصاص داد (نظیر هوای آزاد)، مالیت ندارند.

۸. قابلیت نقل و انتقال: مال باید بتواند موضوع معامله یا انتقال مالکیت قرار گیرد. اگر شیئی از این قابلیت محروم باشد، ولو دارای منفعت یا ارزش ذاتی باشد، فاقد مالیت محسوب می‌شود.

۹. ارزش عرفی و اقتصادی: معیار مهم دیگر برای تشخیص مالیت، ارزش اقتصادی یا عرفی شیء است. اگر شیء در عرف مردم دارای ارزش مبادله‌ای بوده و در بازار یا معاملات عمومی رد و بدل شود، مال محسوب می‌شود.

۳. بررسی انطباق مفهوم مالیت بر صفحات مجازی

برای بررسی مالیت صفحات مجازی بر اساس تمامی نظریات، لازم است انطباق معیارهایی که در بخش قبلی ارائه شد بر صفحات مجازی ارزیابی شود:

۱. **وجود منفعت عقلانی و مشروع:** صفحات مجازی برای صاحب صفحه و کاربر منافع عقلانی متعددی فراهم می‌سازند. برای صاحب صفحه منافع از جمله امکان کسب درآمد از راه تبلیغات، فروش مستقیم کالا و خدمات، دریافت حمایت مالی و عرضه محتوای ویژه مانند دوره‌های آموزشی؛ همچنین قدرت برندسازی و شهرت آفرینی و تقویت اعتبار شخصی یا تجاری، تسهیل ارتباط مستقیم و گسترده با مخاطبان، انتشار اخبار و اطلاعات و ارائه خدمات مشتریان و بالاخره ظرفیت تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شبکه‌سازی از طریق ایجاد جوامع آنلاین و فرصت‌های همکاری. از سوی دیگر، کاربران صفحات مجازی به اطلاعات و اخبار، آموزش و سرگرمی دسترسی پیدا می‌کنند، می‌توانند با دیگران و صاحبان کسب‌وکارها یا شخصیت‌های محبوب خود تعامل کنند و از فرصت خرید کالا و خدمات بهره‌مند شوند. این منافع در صورتی که در چهارچوب شرع و قوانین موضوعه باقی بمانند، مشروع محسوب می‌شوند و حتی می‌توانند در راستای ترویج دین باشند. البته یک صفحه مجازی می‌تواند فی‌نفسه دارای ارزش و منفعت عقلایی باشد، حتی اگر محتوای آن در مواردی نامشروع باشد.

۲. **رغبت و تمایل عقلانی:** تمایل عمومی به صفحات مجازی موفق و پرمخاطب از طریق شواهد عینی مانند شکل‌گیری بازار خرید و فروش صفحات با تعداد فالوور و تعامل بالا، سرمایه‌گذاری‌های گسترده زمانی، مالی و فکری افراد و شرکت‌ها در جهت تولید محتوا و جذب مخاطب و تمایل برندها به همکاری و پرداخت هزینه برای تبلیغ در این صفحات آشکار می‌شود. رغبت و تمایل عقلایی برای داشتن، رشد دادن و حتی خرید صفحات مجازی موفق کاملاً مشهود است.

۳. **مورد حاجت بودن:** صفحات مجازی با ارائه خدمات گسترده خبری و آموزشی، فراهم آوردن فضای ارتباط و تعلق اجتماعی، ایجاد سرگرمی و تفریح از طریق محتوای طنز و هنری، تأمین نیازهای اقتصادی و تجاری نظیر فروشگاه‌های آنلاین و خدمات رسانی، فراهم کردن زمینه ابراز هویت و دیده شدن برای هنرمندان و فعالان اجتماعی و ارتقای سطح فرهنگی و دینی جامعه نقش مهمی در رفع نیازهای دنیوی و حتی اخروی کاربران ایفا می‌کنند.

۴. **کمیابی یا محدود بودن:** اگرچه ایجاد اولیه یک صفحه مجازی رایگان و نامحدود است، اما دستیابی به یک صفحه خاص و موفق با نام کاربری متمایز، تعداد بالای فالوور واقعی و فعال، نرخ تعامل بالا، محتوای منحصر به فرد، اعتبار برند، سابقه مثبت و داشتن مخاطبان ویژه و هدفمند به شدت دشوار و نیازمند تلاش، زمان و هزینه است و کمیاب و محدود تلقی می‌شود. این کمیابی نسبی است.

۵. **نیاز به تلاش برای تحصیل:** هرچند راه‌اندازی یک حساب کاربری در پلتفرم‌های مجازی مستلزم کوشش اندکی است، اما رشد و موفقیت آن به تولید محتوای مستمر و باکیفیت، مدیریت و تعامل با مخاطبان، بازاریابی و تبلیغات، تحلیل و بهینه‌سازی عملکرد و صرف هزینه برای ابزارها و نیروی انسانی نیاز دارد؛ بنابراین دستیابی به یک صفحه مجازی ارزشمند و کارآمد، قطعاً مستلزم فعالیت، هزینه و کوشش فراوان است.

۶. **وجود رقابت یا تنازع برای دستیابی:** در فضای مجازی رقابت شدیدی میان تولیدکنندگان محتوا و کسب‌وکارها برای جلب توجه مخاطبان، افزایش فالوور و نرخ تعامل، کسب جایگاه برتر در حوزه‌های تخصصی، دریافت قراردادهای تبلیغاتی و

جلوگیری از سوءاستفاده از نام‌های کاربری یا محتوای کپی شده برقرار است. این تنازع و تنافس ناظر بر ارزش و مطلوبیت صفحات مجازی نزد عقلا است و مؤید صدق معیار مالیت آن‌هاست.

۷. قابلیت اختصاص: هریک از صفحات مجازی تحت کنترل و مدیریت انحصاری یک حساب کاربری است که با ایمیل یا شماره تلفن یا روش‌های دیگر احراز هویت شده و توسط شخص یا گروه معینی اداره می‌شود. هرچند پلتفرم‌ها می‌توانند حق مسدودسازی یا حذف صفحه را برای خود محفوظ دارند، اما در چارچوب قوانین خدمات، برای صاحب صفحه حق کنترل و بهره‌برداری انحصاری ایجاد می‌شود.

۸. قابلیت نقل و انتقال: از نظر فنی با واگذاری دسترسی و نقش ادمین می‌توان مدیریت صفحه را به دیگری انتقال داد؛ اگرچه برخی پلتفرم‌ها این نوع انتقال را ممنوع یا محدود می‌کنند. عملاً بازار خرید و فروش صفحات پرمخاطب وجود دارد و حتی در صورت ممنوعیت انتقال برخی صفحات، دارایی‌های مرتبط با صفحه مانند برند، محتوا، فهرست مخاطبان و داده‌های آماری و تحلیلی به‌عنوان مجموعه‌ای قابل معامله منتقل می‌شوند. این قابلیت نقل و انتقال، با وجود ریسک‌های احتمالی، یکی از شاخص‌های کلیدی مالیت است.

۹. ارزش عرفی و اقتصادی: صفحات مجازی موفق و پرمخاطب به‌عنوان منبع درآمد مستقیم از تبلیغات و فروش یا به‌صورت غیرمستقیم در قالب برندسازی و جذب مشتری برای کسب‌وکار اصلی شناخته می‌شوند و در ارزش‌گذاری مالی کسب‌وکارها، به‌مثابه دارایی نامشهود لحاظ می‌گردند. همچنین در عرف بازاریابان و فعالان اقتصادی، این صفحات ابزار قدرتمندی برای دستیابی به اهداف تجاری و اجتماعی به شمار می‌آیند و مخاطبان عام نیز به آن‌ها ارزش می‌نهند.

جمع‌بندی: با بررسی دقیق معیارهای نه‌گانه، می‌توان نتیجه گرفت که صفحات مجازی، به‌ویژه آن‌هایی که دارای مخاطب قابل توجه، محتوای ارزشمند، تعامل بالا و پتانسیل درآمدزایی یا تأثیرگذاری هستند، می‌توانند بسیاری از ویژگی‌های مال را دارا باشند.

برخی از این صفحات منفعت عقلایی و مشروع دارند، مورد رغبت و تمایل عقلایی برای کسب و توسعه هستند، نیازهای متعددی را برآورده می‌کنند، نوعی کمیابی نسبی دارند، ایجاد و رشد آن‌ها نیازمند تلاش و هزینه است، رقابت برای دستیابی به آن‌ها وجود دارد، قابلیت اختصاص به یک فرد یا نهاد را دارند، قابلیت نقل و انتقال دارند، دارای ارزش عرفی و اقتصادی هستند.

واضح است که تمامی صفحات مجازی معیارهای بیان شده را ندارند و این معیار در برخی از آن‌ها موجود است که البته این مانع مالیت این صفحات نیست؛ همان‌گونه که وقتی از مالیت میوه، خودرو و سایر اموال معروف صحبت می‌کنیم، منظورمان افرادی از این گروه‌هاست که دارای معیارهای موردنظر باشد و افرادی که دارای این معیارها نیستند موردنظر ما نیست. پس صفحات مجازی مانعی برای مالیت ندارند و معیارهای بر اساس تمامی دیدگاه‌ها بر آن‌ها منطبق است.

۴. تأثیر مالیت صفحات مجازی بر ضوابط اعمال حاکمیت حکومت در مورد آن‌ها

نخست لازم به ذکر است که حکومت بر اساس برخی مبانی فقهی و قانونی، اختیاراتی در محدودسازی حقوق و آزادی‌های فردی در فضای مجازی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: مبانی فقهی از جمله قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام، قاعده اهم و مهم، ولایت حاکم و همچنین مبانی قانونی مانند اصول قانون اساسی ناظر بر حقوق ملت و حدود آن، قوانین عادی مانند قانون جرائم رایانه‌ای، قانون مجازات اسلامی، قوانین مربوط به مطبوعات و رسانه‌ها.

همچنین در برخی موارد اجازه سلب مالکیت فردی نسبت به اعیان و منافع به حکومت داده شده است. در قوانین ایران، سلب مالکیت فردی توسط حکومت در دو چارچوب اصلی صورت می‌گیرد: تملک برای منافع عمومی با پرداخت بها و مصادره اموال مرتبط با فعالیت‌های مجرمانه. تملک که با پرداخت بهای عادلانه به مالک همراه است، عمدتاً بر اساس قانون نحوه خرید و تملک

اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت (مصوب ۱۳۵۸)، به‌ویژه مواد ۱، ۴، ۸ و ۹ آن، برای اجرای طرح‌های کلان (مانند احداث راه یا سد) انجام می‌شود و قوانین خاصی چون قانون حفظ آثار ملی یا ماده ۱۹ قانون توزیع عادلانه آب نیز به این امر در حوزه‌های تخصصی اشاره دارند؛ اما مصادره که جنبه کیفری داشته و معمولاً بدون پرداخت غرامت است، شامل دو دسته اموال می‌شود: اول، اموال حاصل از جرم که اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (به‌ویژه مواد ۲ و ۸) به‌طور کلی به استرداد ثروت‌های نامشروع پرداخته و قوانینی مانند ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (اموال ناشی از درآمدها)، تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء... (مال ناشی از ارتشاء)، ماده ۵ همین قانون (اموال تحصیل شده از اختلاس) و ماده ۵۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (کالای قاچاق) مصادیق آن هستند؛ دوم، اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم که ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر (وسایل نقلیه مورد استفاده) و ماده ۲۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (وسیله نقلیه مورد استفاده در قاچاق) به ضبط آنها تصریح دارند.

با اذعان به این مبانی و اختیارات، پرسش اساسی آن است که اثبات مالیت برای صفحات مجازی چه تأثیری بر دامنه این اختیارات و حقوق صاحبان این صفحات خواهد داشت. در پاسخ باید گفت، شناسایی ارزش اقتصادی و اعتبار مالی برای صفحات مجازی، به‌هیچ‌وجه نافی اختیارات حاکمیتی دولت در اعمال محدودیت یا مسدودسازی یا الزام به حذف یا غیرفعال کردن آن‌ها در موارد ضروری نیست. دلایل و جهات مشروعیت بخشی چون حفظ نظم عمومی و امنیت ملی، پاسداری از اخلاق حسنه و ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه، جلوگیری از ارتکاب جرائم و نقض حقوق دیگران (از قبیل کلاهبرداری، نشر اکاذیب، توهین، افتراء، نقض حریم خصوصی و نقض حقوق مالکیت فکری) و همچنین الزام به اجرای قوانین و مقررات خاص (مانند مقررات ناظر بر انتخابات، تبلیغات تجاری یا فعالیت‌های صنفی)، همچنان می‌توانند موجبات و دلایل مشروعیت بخش جهت اعمال محدودیت یا حتی مسدودسازی این صفحات باشند؛ لیکن، نکته حائز اهمیت آن است که اثبات مالیت این صفحات، وضعیت حقوقی آن‌ها را از یک ابزار صرف بیان یا انتشار محتوا، به یک «دارایی» ارتقاء می‌بخشد. این امر نتایج حقوقی مهمی دارد و موجب بهره‌مندی صاحبان آنها از برخی حقوق قانونی می‌شود و محدودیت‌هایی را برای حکومت در این زمینه ایجاد می‌کند که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

بنابراین، اثبات مالیت برای صفحات مجازی، ضمن آنکه به معنای مصونیت مطلق آن‌ها از اعمال حاکمیت دولت نیست، موجب ارتقاء جایگاه حقوقی این صفحات و تقویت حقوق صاحبان آن‌ها در برابر اقدامات خودسرانه یا غیرقانونی می‌گردد و محدودیت‌های شکلی و ماهوی بیشتری را بر نحوه اعمال اختیارات دولت در این حوزه تحمیل می‌کند.

۴-۱. گفتار اول: اصول کلی محدودکننده اختیارات دولت در قبال صفحات مجازی دارای مالیت

مالیت صفحات مجازی، به معنای ارزش اقتصادی و قابلیت مبادله آن‌ها، این صفحات را از صرف ابزارهای ارتباطی فراتر برده و در زمره اموال و حقوق مالی اشخاص قرار می‌دهد. این امر، آن‌ها را تحت شمول اصول و قواعد حمایتی ناظر بر مالکیت در نظام حقوقی ایران قرار می‌دهد. ماده ۲۲ قانون اساسی صراحتاً اعلام می‌دارد که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» صفحات مجازی که دارای ارزش اقتصادی قابل توجهی هستند، به‌وضوح مصداق «مال» و «حقوق» مذکور در این اصل بوده و در مواردی که منبع اصلی درآمد و «شغل» افراد محسوب می‌شوند، از حمایت مضاعف این اصل برخوردارند؛ بنابراین، هرگونه اقدام محدودکننده یا سلب این حقوق، از جمله انسداد یا فیلترینگ، باید مستند به «تجویز صریح قانون» باشد. این موضوع در مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» و ماده ۳۱ همان قانون بیان می‌کند: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.» بستن یک صفحه مجازی دارای مالیت، عملاً حق تصرف و انتفاع مالک را سلب می‌کند و لذا باید مبتنی بر «حکم قانون» یا «استثناء قانونی» مشخص باشد. اصول فقهی معتبری چون قاعده تسلیط و اصل احترام مال مسلمان نیز این

حمایت را تقویت کرده و هرگونه مداخله بی‌وجه در اموال اشخاص را منع می‌کنند. همچنین، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، به‌ویژه در ماده ۶۷ که «داده پیام» را دارای اثر قانونی می‌داند، به‌طور ضمنی بر لزوم حمایت از فعالیت‌های اقتصادی مشروع در فضای مجازی تأکید دارد. انسداد بی‌رویه صفحات تجاری می‌تواند ناقض این اهداف حمایتی باشد. همچنین باید محتوای منتشر شده توسط مالک، محتوای منتشر شده توسط کاربران و اصل صفحه تفکیک قائل شد. بستن یا حذف کل یک صفحه تجاری دارای مالیت به دلیل محتوای مجرمانه یک کاربر، بدون اخطار قبلی به مدیر صفحه برای حذف آن محتوا، یا به دلیل انتشار یک محتوای قابل حذف از صفحه، می‌تواند با اصل تناسب داشته باشد.

۴-۲. گفتار دوم: الزامات شکلی و ماهوی در اعمال محدودیت بر صفحات مجازی دارای مالیت

با توجه به شناسایی مالیت برای صفحات مجازی و حمایت‌های قانونی پیش‌گفته، اقدامات دولت در خصوص محدودسازی یا انسداد آن‌ها باید واجد شرایط و الزامات شکلی و ماهوی مشخصی باشد.

اولاً، هرگونه محدودیت بر حقوق مالکانه نسبت به این صفحات باید مستند به مجوز قانونی صریح باشد و این قوانین، به دلیل محدودکننده بودن نسبت به حقوق اساسی، باید به‌صورت مضیق تفسیر شوند. این بدان معناست که دامنه اختیارات نهادهای دولتی نباید فراتر از آنچه قانون به‌صراحت بیان کرده، گسترش یابد.

ثانیاً، رعایت اصل تناسب و ضرورت در اقدامات دولتی الزامی است. اقدام محدودکننده باید متناسب با هدف مشروعی باشد که دولت دنبال می‌کند و ضروری‌ترین و کم‌آسیب‌ترین راه برای نیل به آن هدف انتخاب شود. انسداد کامل یک صفحه مجازی که دارای ارزش مالی و محل کسب‌وکار است، یک اقدام بسیار شدید تلقی می‌شود. لذا، پیش از اقدام به انسداد کامل، باید بررسی شود که آیا اقدامات خفیف‌تری مانند دستور حذف محتوای مجرمانه خاص، انسداد موقت صفحه تا زمان رفع تخلف، اخطار رسمی یا حتی جریمه نقدی (در صورت پیش‌بینی قانونی) نمی‌تواند هدف موردنظر را تأمین کند. اصل ضرورت که در فقه تحت عنوان «الضرورات تنقذر بقدرها» شناخته می‌شود، ایجاب می‌کند که اقدام به حداقل میزان لازم محدود شود، به‌ویژه زمانی که پای منافع اقتصادی و مالیت در میان باشد.

ثالثاً، شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرا، حق اطلاع و حق دفاع صاحب صفحه از ارکان اساسی است. صاحب صفحه مجازی حق دارد از دلایل، مستندات قانونی و محتوای مشخصی که منجر به تصمیم انسداد شده، به‌طور کامل مطلع شود. این اطلاع‌رسانی، مقدمه ضروری برای اعمال حق دفاع است. اصل ۳۴ قانون اساسی که «دادخواهی را حق مسلم هر فرد» می‌داند، ایجاب می‌کند که صاحب صفحه بتواند نسبت به تصمیم انسداد در مراجع صالح اعتراض کرده و از حقوق خود دفاع نماید.

رابعاً، صلاحیت نهادهای تصمیم‌گیر و رعایت تشریفات قانونی اهمیت بسزایی دارد. باید به‌طور دقیق مشخص باشد که کدام نهاد (قضایی، انتظامی، نهادهای شبه‌قضایی مانند کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، امنیتی و نظامی) و بر اساس کدام ضوابط و آیین‌نامه‌های شفاف، بستن این صفحات یا الزام مالک صفحه به حذف آن را دارد. با توجه به آثار مالی قابل‌توجه بستن این صفحات، نظارت قضایی بر تصمیمات مراجع غیر قضایی یا لزوم اخذ دستور قضایی مستقل در موارد مهم، تضمین بیشتری برای رعایت حقوق افراد فراهم می‌کند. تشریفات نظیر ابلاغ رسمی تصمیم و دلایل آن و اعطای مهلت مناسب برای دفاع یا رفع ایرادات احتمالی، باید به‌دقت رعایت شود.

۴-۳. گفتار سوم: مسئولیت مدنی دولت در قبال بستن غیرموجه صفحات مجازی دارای مالیت

چنانچه دولت یا نهادهای وابسته به آن، در فرآیند انسداد صفحات مجازی دارای مالیت، موازین قانونی و اصول بنیادین حقوقی پیش‌گفته را رعایت نکنند و از این رهگذر خسارتی به صاحب صفحه وارد آید، مسئولیت مدنی دولت برای جبران خسارات مطرح می‌شود. مبنای این مسئولیت را می‌توان در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جستجو کرد که هرچند مستقیماً ناظر به‌اشتباه یا تقصیر قاضی است، اما روح آن و اصول کلی مسئولیت‌پذیری حاکمیت، قابل تسری به اقدامات سایر مقامات و نهادهای دولتی نیز

می‌باشد، به‌ویژه با استناد به عمومات قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹. مواد ۱ و ۲ این قانون، مبنای کلی مسئولیت اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی، خصوصی و دولتی) در قبال ایراد خسارت به دیگری را بیان می‌دارد. قواعد فقهی معتبری چون قاعده لاضرر (لزوم جبران هرگونه ضرر ناروا)، قاعده اتلاف که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی تجلی‌یافته و قاعده تسبیب مذکور در ماده ۳۳۱ قانون مدنی، همگی می‌توانند مبنای محکمی برای مسئولیت دولت در صورت انسداد غیرموجه و خسارت‌بار صفحات مجازی دارای مالیت باشند. تحقق این مسئولیت منوط به احراز ارکان سه‌گانه یعنی فعل زیان‌بار دولت (مانند انسداد بدون مجوز قانونی، نقض اصل تناسب، یا عدم رعایت تشریفات)، ورود ضرر (که «مالیت» صفحه نقش کلیدی در اثبات و ارزیابی میزان آن دارد، شامل خسارات مادی مانند از دست رفتن درآمد، کاهش ارزش برند، هزینه‌های بازگرداندن کسب‌وکار و حتی خسارات معنوی مانند لطمه به اعتبار تجاری موضوع ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی) و نهایتاً رابطه سببیت میان فعل دولت و ضرر وارده است. شیوه‌های جبران خسارت نیز می‌تواند شامل اعاده وضع به حالت سابق در صورت امکان، پرداخت خسارت مادی و در صورت اثبات، جبران خسارت معنوی باشد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مفهوم «مالیت» صفحات مجازی بر مشروعیت حقوقی بستن آن‌ها توسط نهادهای حاکمیتی در نظام حقوقی ایران انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که صفحات مجازی، به‌ویژه آن‌هایی که دارای مخاطب قابل توجه، محتوای ارزشمند و پتانسیل درآمدزایی هستند، بر اساس معیارهای مستخرج از فقه امامیه و حقوق ایران (از جمله وجود منفعت عقلانی و مشروع، رغبت و تمایل عقلایی، مورد حاجت بودن، کمیابی نسبی، نیاز به تلاش برای تحصیل، قابلیت اختصاص و نقل و انتقال و ارزش عرفی و اقتصادی) می‌توانند واجد وصف «مالیت» تلقی شوند.

این شناسایی مالیت، هرچند نافه اختیارات حاکمیتی دولت در موارد ضروری نیست، اما وضعیت حقوقی این صفحات را از ابزاری صرف برای بیان، به یک «دارایی» ارتقاء می‌بخشد. در نتیجه این ارتقاء، اعمال حاکمیت دولت، به‌ویژه در اقدام به بستن یا حذف آن‌ها، با محدودیت‌ها و الزامات جدی‌تری مواجه می‌شود. اصل مصونیت اموال و حقوق مذکور در ماده ۲۲ قانون اساسی و مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی، بر این صفحات نیز تسری یافته و هرگونه تعرض به آن‌ها باید مستند به مجوز قانونی صریح و با تفسیر مضیق قوانین محدودکننده باشد. علاوه بر این، اصول بنیادینی چون تناسب میان اقدام حاکمیتی و هدف موردنظر، ضرورت و اکتفا به قدر متیقن، شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرا، حق اطلاع و حق دفاع برای صاحب صفحه و رعایت صلاحیت نهاد اقدام‌کننده و تشریفات قانونی، از الزامات ماهوی و شکلی است که در فرآیند بستن صفحات مجازی دارای مالیت باید به‌دقت رعایت گردد. تفکیک میان مسئولیت مالک صفحه و محتوای کاربران و همچنین ترجیح اقدامات کمتر تهاجمی مانند حذف محتوای خاص بر انسداد کامل صفحه، از دیگر اقتضائات اصل تناسب است. نهایتاً، عدم رعایت این موازین و انسداد غیرموجه صفحات مجازی دارای مالیت، می‌تواند منجر به مسئولیت مدنی دولت گردد. مبنای این مسئولیت در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، عمومات قانون مسئولیت مدنی و قواعد فقهی چون لاضرر، اتلاف و تسبیب قابل جستجوست و در صورت احراز ارکان مسئولیت، دولت مکلف به جبران خسارات مادی و معنوی وارده خواهد بود.

با عنایت به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در راستای تضمین حقوق فعالان اقتصادی در فضای مجازی و پیشگیری از تضییع دارایی‌های دیجیتال، اقدامات اصلاحی جامعی صورت پذیرد. این اقدامات شامل ضرورت تدوین قوانین شفاف‌تر و دقیق‌تر در خصوص شناسایی و حمایت از مالیت صفحات مجازی و تعیین ضوابط روشن برای انسداد آن‌ها، ایجاد سازوکارهای دادرسی تخصصی و سریع برای رسیدگی به اختلافات ناشی از انسداد و جبران خسارات احتمالی، تقویت نقش نهادهای مدنی و صنفی در حمایت از حقوق فعالان فضای مجازی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین و همچنین لزوم آموزش و ارتقاء دانش حقوقی کاربران و نهادهای حاکمیتی در خصوص ماهیت و ارزش اقتصادی صفحات مجازی و الزامات حقوقی ناشی

از مالیت آن‌ها می‌باشد. اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند به ایجاد تعادل میان اختیارات حاکمیتی و حقوق مالکانه در عصر دیجیتال کمک کرده و به رشد پایدار اقتصاد دیجیتال یاری رساند.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- آزرم، میلاد (۱۴۰۳). بررسی ضرورت یا عدم ضرورت مالیت داشتن داده‌های موضوع جرم برای تحقق سرقت رایانه‌ای. *علمیه*، ۱۰(۴)، ۳۵-۴۰.
- احمدلو، محمد (۱۴۰۰). لزوم مالیت مورد معامله در خصوص شرایط مبیع. *نهمین همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، تهران، ایران.
- اراکي، محمدعلی (۱۴۱۵). *کتاب البیع*، قم: اسماعیلیان.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۱). *کتاب المکاسب*. قم: دار الذخائر.
- ایروانی، علی (۱۳۷۹). *حاشیه المکاسب*. قم: کتبی نجفی.
- باقری، پرویز؛ گندمکار، رضا حسین و زرگوش نسب، عبدالجبار (۱۳۹۹). بازپژوهی شرط مالیت و ملکیت عوضین در بیع از منظر فقه امامیه، حقوق ایران، انگلستان و آمریکا. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲۵(۷)، ۲۷-۵۲.
- باقری، علی و عزیزالهی، محمد مهدی (۱۳۹۸). ضمان مالیت از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه. *پژوهش‌های فقهی*، ۳۶(۱۵)، ۱۴۱-۱۶۳.
- بهمن پوری، عبدالله؛ شادمان فر، محمدرضا و پورغلامی فراشبندی، مجتبی (۱۳۹۳). بررسی فقهی حقوقی مال بودن داده‌های رایانه‌ای. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۱۱(۴۷)، ۲۳۱-۲۴۴.
- جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۶). *هدی الطالب إلی شرح المکاسب*. [بی‌جا]: طلعة النور.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حبیبیا، سعید و حسین زاده، مجید (۱۳۹۳). بررسی فرایند تحصیل ملکیت اموال فکری. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۸(۵)، ۳۳۵-۳۵۷.
- حکیم، محسن (بی‌تا). *نهج الفقاهة: تعلیق علی کتاب البیع من مکاسب الشیخ الأعظم الأنصاری «قده»*. قم: ۲۲ بهمن.
- زنگنه شهرکی، جعفر؛ محمدی مقدم، محمدجواد؛ پولادین طرقي، حجت و مرتضوی کاخکی، مرتضی (۱۴۰۲). بررسی انتقادی نظریه مالیت رمازرها در بستر رغبت عقلا. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲۹(۱۵)، ۲۲۰-۲۳۴.

شاه ملک پور، حسن و دریائی، رضا (۱۳۹۹). جستاری نقادانه پیرامون مالیت مورد معامله از منظر فقه مذاهب اسلامی. *فقه مقارن*، ۱۶(۸)، ۱۷۵-۱۴۹.

شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی ۳ (تعهدات)*. تهران: مجد.

عبدی پور فرد، ابراهیم و وصالی ناصح، مرتضی (۱۳۹۶). توسعه مفهوم و مصادیق مال در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی مالیت داده‌های رایانه‌ای در حقوق اسلام، ایران و کامن لا). *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۱(۴)، ۸۷-۱۱۳.

فخلعی، محمدتقی و علی اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۳). پژوهشی فقهی در مالیت و مالکیت خبر در رسانه‌های جمعی و حقوق ناشی از آن. *فقه و اصول (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ۹۶(۴۶)، ۱۰۵-۱۳۲.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)*. تهران: یلدا.

کاشف‌الغطاء، احمد (۱۴۲۳). *سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*. نجف اشرف عراق: مؤسسه کاشف الغطاء العامة.

کریمی، عباس و موسوی، أسماء (۱۳۹۰). *بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵(۴۴)، ۵۳-۷۴.

محمودخانلی، داود (۱۴۰۱). *اعتبار مالیت در اموال غیرمادی و کاربست آن در فقه. فقه و حقوق معاصر*، ۲۲(۸)، ۴۷-۶۷.

مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*. تهران: صدرا.

منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). *دراسات فی المکاسب المحرمه*. قم: نشر تفکر.

مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع) (پدیدآور) (۱۴۳۲). *موسوعة الفقه الاسلامی المقارن*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

موسوی بجنوردی، سید محمد؛ صباغی ندوشن، مریم (۱۳۹۳). شرط مالیت عوضین در صحت معاملات با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره). *پژوهشنامه متین*، ۶۵(۱۶)، ۴۵-۶۶.

موسوی، سیدرضا (۱۳۹۷). *مالیت محصولات فکری. پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت*، ۹(۵)، ۱۱۳-۱۳۲.

نایینی، محمدحسین (۱۳۷۳). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*. تهران: المکتبه المحمدیه.

وجدانی مقدم، دانیال (۱۴۰۳). *ارث دارایی‌های الکترونیک با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی. کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق*، ۱۰(۱۰)، ۱۷۸۸-۱۸۰۶.

ولی زاده، محمدجواد و سلطانی، عباس علی (۱۳۹۴). *مشروعیت و مالیت شرعی حقوق معنوی. آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۱(۷)، ۱۳۷-۱۶۰.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۹). *ضابطه مال بودن در مباحث فقهی. اقتصاد اسلامی*، ۷۹(۲۰)، ۳۷-۶۳.

References

- Abdipourfard, E., & Vesali, M. (2017). An Extension in the Concept and Types of Property in the Cyberspace (A Comparative Study on the Proprietary Worth of Computer Data in Islam, Iran and Common Law). *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 4(1), 85-112. Doi: 10.22091/csiw.2017.1526.1121. (In Persian)
- Ahmadlu, M. (2020). The necessity of the transaction value in relation to the conditions of the sale. *9th International Conference on Management Research and Humanities in Iran*, Tehran, Iran. (In Persian)
- Ansari, M. B. M. A. (1990). *The Book of Al-Makasib*. Qom: Dar al-Zakhaer. (In Persian)
- Araki, M. A. (1994). *The Book of Sale*. Qom: Ismailiyan. (In Persian)
- Azram, M. (2024). Investigating the necessity or non-necessity of possessing the data of the subject of the crime for the commission of computer theft. *Adliyyah*, 10(4), 35-40. (In Persian)
- Bagheri, A., & Azizolahi, M. M. (2019). Property guarantee from the perspective of jurisprudence and statutory law. *Jurisprudential Research*, 15(1), 141-163. Doi: 10.22059/JORR.2019.254242.1008007. (In Persian)
- Bagheri, P., Gandomkar, R. H., & Zargushnasab, A. (2020). Reinvestigating the Ownability and Ownership of the Considerations in the Sale Contract from the Perspective of Imamiyah Jurisprudence and Law of Iran, England and US. *Comparative Research on Islamic and Western Law*, 7(3), 25-52. Doi: 10.22091/csiw.2020.4808.1659. (In Persian)
- Bahmanpouri, A., Shadmanfar, M. R., & Pourgholami Farashbandi, M. (2014). A jurisprudential study of the ownership of computer data. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 47(2), 231-244. Doi: 10.22059/jjfil.2014.53403. (In Persian)
- Fakhlai, M. T., & Ali Akbari Babukani, I. (2014). A Jurisprudential Research in Material Value and Ownership of News in Mass Media and the Rights Resulting from it. *Fiqh and Usul*, 46(1), 105-132. Doi: 10.22067/fiqh.v46i16.11845 (In Persian)
- Habiba, S., & Hosseinzadeh, M. (2014). A study of the process of acquiring ownership of intellectual property. *Comparative Law Studies*, 5(2): 335-357. Doi: 10.22059/jcl.2014.52946. (In Persian)
- Irvani, A. (2000). *Marginalia of Al-Makasib*. Qom: Najafi Manuscript. (In Persian)
- Jafari Langrudi, M. J. (1999). *Detailed in Legal Terminology (Vol 2)*. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Jazayeri, M. J. (1995). *Huda Al-Talib / Al-Makasib*. Taliya Al Noor - [out of place]
- Karimi, A., & Mousavai, A. (2011). Selling intellectual property from the perspective of Islamic law. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 44(2), 53-73. (In Persian)
- Katouzian, N. (1995). *Introductory Course in Civil Law: Property and Ownership*. Tehran: Yalda. (In Persian)
- Mahmoud Khanli, D. (2022). The validity of taxation in intangible assets and its application in jurisprudence. *Contemporary Jurisprudence and Law*, 8(22), 47-67. (In Persian)
- Motahari, M. (2023). *A view of the Islamic economic system*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mousavi Bojnourdi, S. M., & Sabaghi Nadoshan, M. (2015). Condition of Possessory Value in Validity of Transactions with Special Reference to Imam Khomeini's Approach. *Matin Research Journal*, 16(65), 45-66. (In Persian)
- Shahidi, M. (2011). *Obligations (Civil Law 3)*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Forum. (In Persian)

- Shahmalekpour, H., & Daryaei, R. (2021). A Critical Study about the Worthiness of the Object of Contract from the Viewpoint of Jurisprudence of Islamic Denominations. *Fiqhe Moqaran*, 8(16), 149-175. (In Persian)
- Valizadeh, M. J., & Soltani, A. A. (2015). The legitimacy and legal value of intellectual property rights. *Civil Jurisprudence Doctrines*, 7(11), 137-160. (In Persian)
- Vojdani Moghadam, D. (2024). Inheritance of electronic assets with emphasis on social networks. *10th International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies*, Tehran, Iran. (In Persian)
- Yosefi, A. A. (2020). The rule of belonging in jurisprudential issues. *Islamic Economics*, 20(79), 37-64. (In Persian)
- Zanganeh Shahraki, J., Mohammadi Moghadam, J., Poladin Tarqi, H., & Mortazavi Kakhaki, M. (2024). A critical examination of the theory of cryptocurrency taxation in the context of rationalists' desires. *Knowledge of Islamic Economics*, 29(15), 220-234. Doi: 10.22034/marefateequesadi.2024.5000675. (In Persian)